



سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۱۰

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۲۴

بازپژوهی شخصیت محمد بن علی طرازی و کتاب او

محمد غفوری نژاد^۱

چکیده

محمد بن علی طرازی از شخصیت‌های امامی نیمه اول قرن پنجم در عراق است. جد و پدر او «ابوبکر محمد بن محمد» و «ابوالحسن علی بن محمد طرازی»، از دانشمندان صاحب‌عنوان در منابع تراجم نگاری سنی هستند که ابتدا در بغداد و بعدها در نیشابور روزگار گذرانده‌اند. پدر او از مشایخ خطیب بغدادی است و خطیب به واسطه او از جدش نیز روایت می‌کرده است. تنها اطلاع ما از محمد بن علی طرازی و تألیف او، گزارش‌های ۲۳ گانه ابن طاووس در دو کتاب «اقبال الأعمال» و «جمال الأسبوع» است. مضامین و محتوای این نقل‌ها نشان می‌دهد که طرازی، برخلاف پدر و جد خود که اظهار تسنن می‌کرده‌اند، اعتقادات امامی محکمی داشته است. ابن طاووس در موضعی بر او ترحم کرده و در موضعی دیگر با لقب احترام‌آمیز «شیخ» از او یاد کرده است. با عنایت به شواهد رجالی و حدیثی، نظریه وثاقت طرازی بعید نیست. عنوان کتاب طرازی، «الروایات الشاهدات للسعادات بالعبادات» بوده که به خط مؤلف و به صورت وجاده در اختیار ابن طاووس قرار داشته است. از جمله مصادر طرازی در تألیفش، «کتاب عمل رجب» ابن عیاش جوهری، «کتاب الدعاء» أبوالمفضل شیانی، «کتاب الدعاء» و «کتاب أخبار أبی جعفر الثانی علیه السلام» محمد بن وهبان بصری و «مجموع الدعوات» محمد بن هارون بن موسی تلکبری بوده است.

واژگان کلیدی: محمد بن علی طرازی، وثاقت طرازی، الروایات الشاهدات للسعادات بالعبادات، سید بن طاووس، منابع جمال الأسبوع، منابع اقبال الأعمال.

۱. دانشیار گروه شیعه‌شناسی و رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب، واحد مشهد ghafoori@urd.ac.ir

A Review of Muḥammad ibn Alī Ṭarāzī's Character and His Book

Muhammad Ghafuri Nejad¹

1



Vol. 2, No. 3, Spring & Summer 2020



Muḥammad ibn Alī Ṭarāzī is one of the Imami figures of the first half of the fifth century in Iraq. His grandfather, Abū Bakr Muḥammad ibn Muḥammad and his father, Abū al- Ḥasan Alī ibn Muḥammad Ṭarāzī, are among prominent scholars in Sunni tarajīm's sources who lived first in Baghdad and later in Neyshabur. His father is one of Khaṭīb al-Baghdādī's teachers and Khaṭīb has narrated from his grandfather through him too. Our only information on Muḥammad ibn Alī Ṭarāzī and his compilation is through Ibn Ṭāwūs' thirty-three reports in the two books of "Iqbāl al-a'māl" and "jamāl al-usbū". The themes and content of these accounts suggest that Ṭarāzī, unlike his father and grandfather, who were expressing Sunni beliefs, had a strong Imami faith. Ibn Ṭāwūs has pitied him in one situation and in another one has hold him in a high esteem with the title of "shaykh" (elder/teacher). Given the rījālī and hadith evidence, the theory of Ṭarāzī's authenticity is not unlikely. The title of Ṭarāzī's book is "al-riwāyāt al-shāhidāt lil-sa'ādāt bil-'ibādāt" which was given to Ibn Ṭāwūs in the author's handwriting through wajādah. Among Tarazi's sources in his compilation are "kītāb 'amal al-rajab" by Ibn Ayyāsh Juhārī, "kītāb al-dūā" by Abū al-Mufaḍal Sheybānī, "kītāb akhbār Abī Ja'far al-Ṭānī (P.B.U.H.)" by Muḥammad ibn Wahbān Baṣrī and the "majmu al-da'awāt" by Muḥammad ibn Harūn ibn Mūsā.

Keywords: Muḥammad ibn Alī Ṭarāzī, Ṭarāzī's authentication, al-riwāyāt al-shāhidāt lil-sa'ādāt bil-'ibādāt, Sayyid Ibn Ṭāwūs, sources of Iqbāl al-a'māl.

1. Associated professor and member of Shia Studies Department at Religions & Denominations University, Head of Mashhad's center. ghafoori@urd.ac.ir.

إعادة النظر في شخصية محمد بن علي الطرازي وكتابه

محمد غفوري نژاد^١

محمد بن علي الطرازي هو أحد الشخصيات الإمامية في النصف الأول من القرن الخامس في العراق. جده ووالده، أبوبكر محمد بن محمد وأبو الحسن علي بن محمد طرازي، علماء مشهورون في مصادر الترجمة السننية كانت حياتهم ابتدا في بغداد ومن ثم انتقلوا الي نيسابور. والده هو من شيوخ الخطيب البغدادي، ويروى الخطيب أيضا عن جده بواسطته. المعلومات الوحيدة التي لدينا عن محمد بن علي الطرازي وتأليفه هي ٢٣ رواية لابن طاووس في كتابي إقبال الأعمال وجمال الأسبوع. تظهر مواضيع ومحتوى هذه الروايات أن طرازي، على عكس والده وجده من السنة وكان لديه معتقدات إمامية قوية. أشفق عليه ابن طاووس في موقف وأشار إليه في منصب آخر بلقب «الشيخ». بالنظر إلى أدلة الرجالية والحديث فإن نظرية الأصالة ليست مستبعدة. وكان عنوان كتاب الطرازي «روايات شهود السعادة في العبادة» الذي أُعطي لابن طاووس بخط المؤلف وبالبر. ومن مصادر الأسلوب في جمعه «كتاب عمل رجب» لابن عياش جوهرى، و «كتاب الدعاء» لأبي المفضل، و «كتاب الدعاء»، و «كتاب أخبار أبي جعفر الثاني (عليه السلام)» لمحمد بن وهبان البصري، و «مجموع الدعوات» لمحمد بن هارون بن موسى تلعيكري.

كلمات الأساسية: محمد بن علي طرازي، أمانة الطرازي، روايات شهود السعادة في العبادة، سيد بن طاووس، مصادر جمال الأسبوع، مصادر إقبال الأعمال.



۱. طرح مسأله

یکی از منابع سیدبن طاووس در دو کتاب «اقبال الأعمال» و «جمال الاسبوع»، کتابی از محمدبن علی طرازی^۱ است. در منابع اصلی رجال و فهرست، نامی از او و کتابش به میان نیامده است. در اهمیت تحقیق در مورد شخصیت طرازی و کتاب او، همین بس که منبع ابن طاووس در نقل ادعیه مشهور ماه رجب، صلوات شعبانیه، فضیلت و اعمال روز عید غدیر، زیارت حضرت زهرا علیها السلام و امام مجتبی علیه السلام و ... بوده است. تنها برخی رجالیان و تراجم‌نگاران قرن اخیر و دوره معاصر، به اختصار شخصیت او را مورد مطالعه قرار داده‌اند.

محقق مامقانی (م ۱۳۵۱) از طریق و سند ابن طاووس به کتاب طرازی سخن گفته که شایسته بررسی است. وی مایل است اعتماد ابن طاووس به طرازی را موجب وثوق به او تلقی کند، ولی در این مسیر با این مشکل مواجه می‌شود که موارد اعتماد سید به او، تنها در ادعیه و سنن منحصر است که مجرای قاعده تسامح در ادله است. (مامقانی، بی‌تا: ۱۵۷/۳-۱۵۸) ترجم سید بر طرازی توجه نمازی را به خود جلب کرده (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴: ۲۳۴/۷ و ۲۴۴) و شوشتری از اینکه طرازی از ابن عیاش و ابوالفرج قزوینی نقل می‌کند، نتیجه گرفته که او از معاصران شیخ طوسی و نجاشی است. (شوشتری، ۱۴۱۰: ۴۵۱/۹؛ نیز نک: خویی، ۱۴۱۳: ۵۵/۱۸)

در این میان، آقابزرگ تهرانی بیشترین داده‌ها را در مورد طرازی و خاندان او گرد آورده است. آقابزرگ به‌درستی خاطرنشان می‌کند که در مورد طرازی، جز از طریق کتاب او که ابن طاووس پاره‌هایی از آن را برای ما نقل کرده چیزی نمی‌دانیم. وی می‌گوید از این کتاب، پس از عصر سید، نسخه‌ای دیده نشده و در هیچ منبع دیگری جز از طریق سید، نقلی از این کتاب ندیده‌ایم. وی نقل‌های سید از طرازی را نمایانگر عقاید و زمینه کاری او در نقل ادعیه و زیارات از مشایخ و مشاهیر اصحاب و تدوین آن می‌داند. آقابزرگ در مورد مشایخ طرازی، علاوه بر نامبردگان، از ابوالعباس احمدبن علی بن نوح، محمدبن هارون بن موسی تلکبری و ابو محمد عبدالله بن الحسین بن یعقوب فارسی نام می‌برد. وی کتاب طرازی را «کتاب الدعاء و الزیارة» نامیده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۹۵/۸)

«محمدبن علی طرازی» کیست و در چه دوره‌ای و کجا می‌زیسته است؟ با توجه به اینکه پدر و جد او چهره‌های شناخته شده‌ای در میان عالمان اهل سنت هستند، بر چه اساسی می‌توانیم او را شیعه امامی قلمداد کنیم؟ بر فرض اینکه طرازی را امامی بدانیم، وی به کدام خط فکری در امامیه

وابسته است؟ ابن طاووس چگونه به کتاب او دست یافته است؟ آیا برخی رجالیان متأخر از طریق ابن طاووس به کتاب طرازی دست یافته‌اند؟ اساساً عنوان کتاب طرازی چه بوده و مشتمل بر چه مطالبی بوده است؟ آیا اینکه آقابزرگ تهرانی از آن با عنوان «کتاب الدعاء و الزیارة» یاد کرده، صحیح است؟ طرازی در تألیف کتاب خود از چه مصادری بهره برده است؟

اینها پرسش‌هایی است که در این پژوهش در پی پاسخ آنها هستیم. بدین منظور پس از جست‌وجو در منابع و اطمینان از اینکه تنها راه شناخت طرازی، گردآوری، تجزیه و تحلیل نقل قول‌های ابن طاووس از اوست، باید تمام این منقولات را استخراج و به تحلیل نشینیم. پیش از آن لازم است در مورد خاندان طرازی، به‌ویژه پدر و جد او اندکی بیشتر بدانیم؛ چرا که در شناخت شخصیت او به ما کمک خواهد کرد.

۲. خاندان طرازی

آقابزرگ تهرانی با استناد به داده‌های خطیب بغدادی در ترجمه پدر و جد طرازی (یعنی ابوالحسن و ابوبکر طرازی)، نسب او را چنین بازسازی کرده است:

«محمد بن أبی الحسن علی بن أبی بکر محمد بن محمد بن أحمد بن عثمان بن أحمد بغدادی معروف به طرازی.»

به گفته خطیب، جد طرازی (یعنی ابوبکر محمد) پس از بغداد در نیشابور سکنا گزیده و در سال ۳۸۵ وفات یافته است. خطیب در اوایل سال ۴۱۵، هنگامی که قصد خراسان کرده بود، پدر طرازی را در نیشابور ملاقات کرده و از او اجازه روایت گرفته است. آقابزرگ به نقل از شذرات الذهب، سال وفات پدر طرازی (ابوالحسن علی) را ۴۲۲ ثبت کرده (نک: ابن عماد، ۱۴۰۶: ۱۱۵/۵) و احتمال داده است که خود او بعد از پدرش تا حوالی سال ۴۶۰ زنده بوده باشد. آقابزرگ بدون ذکر منبع و مستندی، جد طرازی را از شیعیان امامی بغداد معرفی کرده که در عصر غلبه حنابله در بغداد می‌زیسته و تحت فشار آنان، از بغداد هجرت کرده و در بلاد غربت، یعنی نیشابور که در آن زمان مرکز شیعه بود، رحل اقامت افکنده و تا پایان عمر، یعنی سال ۳۸۵ در آنجا زیسته است. پس از او، فرزندش ابوالحسن علی نیز در همان شهر باقی مانده تا آنکه خطیب بغدادی، چنان‌که گذشت، در سال ۴۱۵ وی را ملاقات کرده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۷۶/۲؛ ۳۰۱/۱؛ همو، ۱۴۰۳: ۱۹۵/۸).



خطیب بغدادی خاطر نشان می‌کند:

«به من خبر رسید که ابوبکر محمد طرازی زهد، عبادت و حسن مذهب اظهار می‌کرده^۲، ولی

مناکیر و اباطیلی هم روایت نموده است.» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۴۴۴/۳)

آقابزرگ مناکیور و اباطیلی را که خطیب به جد طرازی نسبت می‌دهد، به‌ویژه بعد از هجرت او از بغداد و سکونتش در نیشابور، که از شهرهای اصلی شیعه‌نشین بوده است، در ارتباط با نشر مضامین و معتقدات شیعی می‌داند. آقابزرگ همچنین به ترجمه پدر طرازی (یعنی ابوالحسن علی) در شذرات الذهب توجه می‌دهد که او را متوفای ۴۲۲ معرفی کرده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۳۰۱/۱؛ همو، ۱۴۰۳: ۱۹۶/۸)

شرف‌الدین با اتخاذ موضع انتقادی نسبت به مدعیات اخیر آقابزرگ، اینکه خطیب بغدادی حسن مذهب را به ابوبکر طرازی نسبت داده، نص واضحی بر نفی تشیع او تلقی کرده است. از نظر او، اگر طرازی شیعه بود، خطیب حتماً به آن اشاره می‌کرد. شرف‌الدین می‌افزاید: «آنچه که آقابزرگ در سبب هجرت طرازی از بغداد ذکر کرده، به نظر من بعید است؛ زیرا در آن زمان دولت شیعی آل بویه بر بغداد حکم می‌راند و بزرگان شیعه همچون شیخ مفید و سید مرتضی در بغداد بودند. پس چرا آنان از بغداد مهاجرت نکردند؟» (شرف‌الدین، ۱۴۱: ۵۴۵/۱) شرف‌الدین بر همین منوال و در پی اثبات عدم تشیع جد طرازی، پدر او (یعنی ابوالحسن علی) را نیز شیعه نمی‌داند و می‌گوید اگر او شیعه بود، صاحب شذرات الذهب او را با ناسزاهایی که معمولاً نثار شیعیان می‌کند، می‌نواخت. (همان، ۵۷۵) در هر صورت باید توجه داشت که جد طرازی یک طبقه بر شیخ مفید و دو طبقه بر سید مرتضی تقدم دارد. بسیار اتفاق می‌افتد که تحولات سیاسی و اجتماعی در برهه‌های زمانی به مراتب کوتاه‌تر رخ می‌دهد. به‌علاوه هر یک از عالمان شیعه در هر دوره‌ای جایگاه اجتماعی خاص خود را داشته‌اند که چه بسا قابل قیاس با دیگران نیست. در هر روی، تحقیق بیشتر در مورد شخصیت و پدر طرازی مجالی دیگر می‌طلبد.

سخن خطیب مبنی بر اینکه جد طرازی اظهار تقشف، می‌نموده سر نخ‌ی گردید تا در منابع تاریخ تصوف و طبقات صوفیان جوای او شویم. ولی با جست‌وجو در منابع تاریخ تصوف و عرفان، جز نقل‌های معدود قیسرانی (ف ۵۰۷) که با یک واسطه از ابوالحسن علی بن محمد طرازی روایت کرده (نک: قیسرانی، بی تا: ۳۳، ۲۵۷، ۳۱۶)، مطلب دیگری نیافتیم.

۳. گزارش تحلیلی نقل‌های ابن طاووس از کتاب طرازی

جست‌وجو در مصادر حدیث شیعه نشان می‌دهد تمام مواردی که نام طرازی به میان آمده، به دو کتاب «اقبال الأعمال» و «جمال الاسبوع» سیدبن طاووس باز می‌گردد. برای این منظور، منابع موجود در نرم‌افزار جامع الاحادیث ۳/۵ و در نرم‌افزار مجموعه آثار سیدبن طاووس جست‌وجو گردید، بنابراین تنها راه مطالعه شخصیت طرازی و کتاب او، تمرکز و تدقیق بر نقل قول‌های ابن طاووس در این دو کتاب است. حاصل جست‌وجوی ما دستیابی به ۲۳ مورد نقل قول از طرازی بود که در این میان، کتاب اقبال الأعمال ۲۲ مورد و کتاب جمال الاسبوع تنها یک مورد را به خود اختصاص داده‌اند.

۱۳



سال دوم. شماره سوم. بهار و تابستان ۱۳۹۹

۱- نخستین نقل ابن طاووس در اقبال در اعمال بیست و یکم ماه مبارک رمضان است. طرازی به سند خود از حمادبن عثمان از امام صادق علیه السلام، عمل و دعایی نقل می‌کند که آشکارا مضامین شیعی در آن به چشم می‌خورد. در بخش‌های مختلف این دعا، صلوات و درود بر پیامبر و آلش دیده می‌شود. در موضعی از آن از حق خداوند بر آنان و حقی که خداوند برای آنان بر خود واجب ساخته و آنان را به واسطه آن به فضل خود رسانیده، سخن رفته است. امام صادق علیه السلام در بخش پایانی دعا، از خداوند اذن در فرج کسی را طلب می‌کند که با فرجش، اولیا و اصفیای خداوند گشایش یافته و ظالمان هلاک می‌شوند. حماد پس از پایان یافتن دعا، با تعجب از امام صادق علیه السلام در مورد هویت آن شخص سؤال می‌کند و می‌پرسد مگر خود شما همان کسی نیستید که اولیا و اصفیا با فرجش گشایش می‌یابند؟ حضرت می‌فرماید: نه، او قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۳۶۶/۱)

۲- سید در اعمال روز عرفه، که پیش از شروع به خواندن دعا‌های این روز انجام می‌شود، متذکر این نکته می‌شود که در آن باب اختلافاتی در روایات یافته است. وی از شیخ طوسی نقل می‌کند که وی برای این موقعیت صد تکبیر، حمد و تسبیح و نیز صد مرتبه سوره توحید نقل کرده است. ولی طرازی با سند خود از امام صادق علیه السلام علاوه بر اینها، صد تهلیل هم نقل کرده و در عدد قرائت سوره توحید پس از آنکه صد بار را ذکر کرده، گفته است:

«اگر خواستی، می‌توانی بر آن بیفزایی. سپس صد بار سوره قدر را بخوان».

سید در اینجا سند طرازی را ذکر نکرده است. (همان، ۷۰/۲)





۳- ابن طاووس در اقبال فصلی را به روایات فضیلت روز غدیر اختصاص داده و آن را «فصل فی... فضل یوم الغدیر، بروایة جماعة من ذوی الفضل الكثير...» عنوان داده است. وی سپس روایاتی از بزرگانی همچون کلینی، علی بن حسن بن فضال، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، مصنف کتاب «النشر و الطی»^۳ و در نهایت محمد بن علی طرازی نقل کرده است. (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۲۶۳/۲) قرار دادن طرازی در عداد کسانی که نزد سید فضل بسیار داشته و از مشایخ بزرگ طائفه هستند، حکایت از جایگاه والای او نزد سید دارد. طرازی در این روایت که بنا به تصریح سید از کتاب او نقل شده، با سند متصل از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که در قیامت چهار روز فطر، قربان، جمعه و غدیر را همچون عروسی که به حجله می برند، نزد خداوند متعال می آورند. روز غدیر نسبت به سه روز دیگر همچون ماه در مقایسه با ستارگان است. خداوند فرشتگان مقرب، انبیای مرسل، اوصیای منتجب و اولیای خود بر این روز گماشته تا او را وارد بهشت کنند. حضرت سپس با تأکید بر روزه غدیر، آن را روز قبول توبه آدم، نجات ابراهیم از آتش، معرفی هارون از جانب موسی، اظهار وصایت شمعون از سوی عیسی، معرفی علی علیه السلام از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان نشانه هدایت و آشکار ساختن فضیلت و وصایت او معرفی کرده و می فرماید: همه اینان به شکرانه این روز روزه گرفته اند.^۴ (همان، ۲۶۴)

۴- ابن طاووس فصلی از اقبال را به اعمال روز عید غدیر اختصاص داده و متذکر شده که محتوای آن با اسناد صحیح برای او روایت شده است. سید در ادامه نقل های متعددی از کتاب طرازی می آورد و متذکر می شود که طرق دیگری نیز برای روایت آن دارد. احتمالاً آنچه باعث شده که مامقانی از سند و طریق ابن طاووس به طرازی سخن به میان آورد (نک: مامقانی، بی تا: ۱۵۸/۳)، همین عبارت سید بوده است. از جمله سید روایتی را می آورد که طرازی با اسناد متصل خود از محمد بن سنان، از داوود بن کثیر رقی، از عماره بن جوین عبدی از امام صادق علیه السلام نقل می کند. سید متذکر می شود که برای نقل این روایت به شیخ مفید نیز طریق دارد. طبق این نقل، عماره می گوید که در روز هجدهم ذی الحجه بر امام صادق علیه السلام وارد شده و آن حضرت را در حال روزه یافته است. آن حضرت آن روز را روز اکمال دین، اتمام نعمت و تجدید میثاق عهد نخست خوانده و از احترام عظیم آن سخن گفتند. سپس ثواب روزه آن را معادل روزه شصت ماه حرام معرفی کرده است. حضرت در این دستور، دعایی بعد از آن نماز انشاء فرمود که در بخشی از آن، خداوند به خاطر اینکه توفیق اجابت عهد نخستین را عطا فرموده و آن عهد را بعد از خلقت

مادی در این عالم تجدید کرده و آن را به یاد مؤمنان آورده، سپاس گفته می‌شود. در ادامه از خداوند درخواست می‌شود که این نعمت را تا زمان وفات نستانند. در بخشی از این دعا از تصدیق مولای مؤمنان و کفر به جبت و طاغوت و اوئان اربعه و پیروان آنان تا روز قیامت سخن رفته است. در پایان این نقل آمده است کسی که این عمل را به جا آورد، مانند کسی است که زیر پرچم قائم علیه السلام و در خیمه آن حضرت حاضر باشد. (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۲/۲۷۶-۲۷۹)

۵- ابن طاووس در آغاز دومین نقل خود از کتاب طرازی، در این بخش متذکر می‌شود برای نقل آن تا عبدالله بن جعفر حمیری سند و طریق دارد.^۵ از عبارت اینچنین به نظر می‌رسد که او سند طرازی تا عبدالله بن جعفر حمیری را بر اجازه‌ای که برای روایت آثار حمیری داشته، تعلیق کرده باشد (برای توضیح در این خصوص نک: مددی، ۱۳۹۳: ۴۵۴/۱)؛ چرا که اگر سید برای نقل این حدیث طریق دیگری غیر از طریق طرازی تا حمیری داشت، بهتر آن بود که آن را اصل قرار دهد. به هر روی حمیری با سند خود از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت روز غدیر را روز محکم شدن پایه‌های اسلام و اظهار نور دین خوانده و به گزارش وقایع آن روز پرداخته و اعمال و ادعیه‌ای برای آن بیان می‌کند. در بخشی از این دعاها، جاحدان و معاندان و مخالفان با امر خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم مورد لعن قرار گرفته‌اند. (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۲/۲۷۸-۲۸۲)

۶- سومین نقل سید در بیان دعا‌های روز غدیر، روایتی است که طرازی به اسناد خود از ابوالحسن عبدالقاهر، دربان آستان مقدس کاظمین علیه السلام گزارش کرده است. عبدالقاهر گوید که ابوالحسن علی بن حسان واسطی در سال ۳۰۰ هجری در واسط از علی بن حسن عبدی و او از امام صادق علیه السلام مطالبی در فضیلت روز غدیر شنیده است.

محقق شوشتری این سند را دارای اشکال دانسته و آورده است:

«چگونه دربان امام کاظم علیه السلام در سال ۳۰۰ از علی بن حسان واسطی - بر فرض که او تا این سال زنده بوده باشد - از کسی نقل می‌کند که از حضرت صادق علیه السلام سماع کرده است؟»

وی به استناد همین نکته نتیجه گرفته که نسخه‌ای که نزد سید بوده، مشوش بوده است. (شوشتری، ۱۴۱۰: ۷/۴۰۰). اشکال محقق شوشتری در نگاه اول وارد به نظر می‌رسد؛ زیرا طرازی که معاصر شیخ و نجاشی است، نمی‌تواند از کسی که در سال ۳۰۰ حدیث شنیده و به‌طور طبیعی باید متوفای نیمه نخست قرن چهار باشد، نقل کند. ولی باید دانست که طبق گزارش نجاشی، علی بن حسان واسطی از معمران بوده و نجاشی عمر او را بیش از صد سال دانسته است.





(نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۷۶) بنابراین اگر عبدی در سنین جوانی و در اواخر زندگانی امام صادق علیه السلام از ایشان حدیث شنیده باشد، به صورت طبیعی می توانسته تا اوایل قرن سوم زنده باشد و واسطی نیز از او حدیث بشنود. حال اگر واسطی به شهادت نجاشی بیش از صد سال عمر کرده باشد، استبعادی ندارد که عبدالقاهر، که دربان آستان کاظمین علیه السلام بوده، در سال ۳۰۰ از او حدیث شنیده باشد. بنابراین سند می تواند بدون اشکال و خالی از تشویش باشد.

از شواهد صحت این مدعا آن است که شیخ طوسی همین روایت را با سندی که دو حلقه آخر آن با سند طرازی یکسان است، در تهذیب الاحکام نقل می کند. (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۳/۳) مقایسه سند شیخ طوسی با سند طرازی تفاوت چندانی را نشان نمی دهد. عجیب است که محقق شوشتری به روایت شیخ طوسی در التهذیب التفات داشته و در عین حال، سند را دارای اشکال و تشویش دانسته است. ظاهراً محقق شوشتری از عبارت «أبی الحسن عبدالقاهر بواب مولانا أبی ابراهیم موسی بن جعفر» در سند طرازی دچار خطا شده و گمان کرده است که عبدالقاهر در این عبارت، مسؤول ملاقات های امام کاظم علیه السلام در زمان حیات آن حضرت معرفی شده و از این رو به نسخه سید نسبت تشویش داده است.

به هر روی، طبق این نقل، غدیر «عید الله الاکبر» است و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرموده، مگر آنکه این روز را عید می گرفته است. نام این روز در آسمان «روز عهد معهود» و در زمین «روز میثاق مأخوذ و جمع مشهود» است. در بخشی از این گزارش، امام صادق علیه السلام سه بار قسم یاد می کند که خداوند روزی عظیم تر از این روز نیافریده است. نیز روزه این روز مانند روزه عمر دنیا و معادل صد حج و صد عمره معرفی شده و برای اطعام یک مؤمن در آن، ثواب اطعام یک میلیون پیامبر، صدیق، شهید و صالح در روزگار قحطی و گرسنگی بیان گردیده است. (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۲۸۲/۲-۲۸۳) در این نقل دعایی طولانی برای روز غدیر نقل شده که مشحون از مضامین شیعی خالص است. (همان، ۲۸۳-۲۸۹)

۷- سید در فصلی از اقبال که به روز بیستم جمادی الثانی، سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیه السلام اختصاص یافته، زیارتی برای آن حضرت از طرازی نقل می کند. در این زیارت نیز مضامین شیعی متعددی همچون شهید، مظلوم و معصوم بودن آن حضرت، غصب حق و منع ارث آن حضرت، مظلومیت امیرالمؤمنین علیه السلام، کشته شدن فرزند و برخی آزارهایی که بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر بدن مبارک آن حضرت وارد شد، به چشم می آید. (همان، ۱۶۳/۳-۱۶۷)



- ۸- سید در ضمن اعمال ماه رجب و شعبان نیز نقل‌هایی متعدد از طرازی دارد. (همان، ۲۰۹)
- ۹- وی در ادامه دعای «اللهم إني أسألك صبر الشاكرين لك...» را با اسناد طرازی از یونس بن ظبیان نقل می‌کند. طرازی این روایت را مسنداً به ترتیب از ابوالفرج قزوینی، محمدبن احمدبن محمدبن سنان، احمدبن محمدبن سنان، محمدبن سنان و یونس بن ظبیان نقل می‌کند. آقابزرگ تهرانی این سند را عالی شمرده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۸۸/۲) یونس در این نقل گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودیم که معلی بن خنیس وارد شد و از آن حضرت خواست دعایی به او بیاموزد که تمام آنچه را شیعه در کتاب‌هایش به ودیعه گذاشته است، دربر داشته باشد. حضرت صادق علیه السلام پس از تعلیم این دعا به معلی فرمود: به خدا سوگند که این دعا تمام تعالیم ابراهیم علیه السلام تا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را دربر دارد. (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۲۱۰/۳)
- ۱۰- سید در ادامه دعای «یا من ارجوه لكل خير...» را از کتاب طرازی نقل می‌کند. طرازی سند متصل خود را تا محمدبن ذکوان، که بر اساس گزارش او به‌خاطر سجده زیاد به سجاد ملقب گردیده بود، پیش می‌برد. (همان؛ برای نقل دیگری از این حدیث: نک: کشی، ۱۴۰۹: ۳۶۹؛ برای دیدگاه‌های دیگر در مورد نام راوی بلاواسطه نک: مامقانی، بی‌تا: ۱۱۵/۳؛ شوشتری، ۱۴۱۰: ۲۶۰/۹، ۲۷۲، ۲۷۵)
- ۱۱- سید در مورد ایام البیض ماه رجب روایتی از کتاب طرازی ذکر می‌کند که به این امت سه ماه رجب، شعبان و رمضان داده شده که به هیچ امتی داده نشده بود؛ نیز سه شب سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هر ماه و سه سوره یس، ملک و توحید عطا گردیده که اختصاص به آن دارد. پس هر کس میان این سه جمع کند، برترین عطایای این امت را به‌دست آورده است. (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۲۲۹/۳)
- ۱۲- سید برای شب نیمه ماه رجب عملی را از الروایات الشاهدات با اسناد طرازی نقل می‌کند. خواهیم گفت که این عنوان کتاب طرازی است. طرازی این حدیث را از یکی از مشایخش به نام عبدالله بن حسین فارسی در بغداد دریافت و با سند متصل از حریزبن عبدالله سجستانی نقل می‌کند. (همان، ۲۳۲)
- ۱۳- در نقل بعدی که موضوع آن عملی برای شب ۲۷ رجب است، طرازی از سه طریق حدیثی از امام جواد علیه السلام نقل می‌کند. هر سه طریق به محمدبن عفیر ضبّی (یا عنبی) منتهی

می‌شود. او طبق سند دوم با یک واسطه و طبق دو سند دیگر، بلاواسطه از امام جواد علیه السلام روایت کرده است. (همان، ۲۶۵)

۱۴- سید در اعمال شب ۲۷ رجب متذکر شده که طرازی نماز شب نیمه رجب را برای شب ۲۷ نیز وارد دانسته است. سید این نماز را از کتاب مواطن الاجتهاد فی الظفر بسعادة المعاد^۶ به روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نقل می‌کند. (همان، ۲۶۷)

۱۵- ابن طاووس در اعمال روز ۲۷ رجب نیز نمازی را از طرازی از احمد بن علی بن نوح، شیخ نجاشی، با اسناد خود از حسین بن روح نقل می‌کند. (همان، ۲۷۴) سید متذکر می‌شود که شیخ مفید نیز این نماز را به همین گونه نقل کرده است. (همان، ۲۷۶)

۱۶- سید همچنین دعایی را برای این روز از طرازی گزارش می‌کند. (همان)

۱۷- ابن طاووس صلوات شعبانیه را از شیخ طوسی و طرازی نقل می‌کند. سید در اینجا تصریح می‌کند که کتاب طرازی را به خط خود او در اختیار داشته است (= و وجدناه بخطه). ظاهر عبارت او در اینجا گویای آن است که وی به نحو وجاده به این کتاب دست یافته است. (همان، ۲۹۹)

۱۸ و ۱۹- ابن طاووس در اعمال شب نیمه شعبان نمازی را از شیخ طوسی نقل می‌کند که پس از آن، دعا و سجده با اذکار خاصی وارد شده است. وی سپس دو روایت دیگر در مورد این سجده از کتاب طرازی نقل می‌کند. (همان، ۳۱۷)

۲۰ و ۲۱- سید نماز دیگری در چهار رکعت برای این شب از طرازی نقل می‌کند. با آنکه این نماز از طریق دیگر از شیخ طوسی برای ابن طاووس نقل شده بوده، ولی سید ترجیح داده که نقل طرازی را که مشتمل بر نکته اضافه‌ای است، مقدم کرده و آن را اصل قرار دهد. (همان، ۳۱۸) سید در ادامه دعایی دیگر برای این شب از طرازی گزارش می‌کند. (همان، ۳۱۹)

۲۲- سید نمازی برای شب نیمه شعبان در حرم امام حسین علیه السلام از کتاب طرازی نقل می‌کند و اینجا نیز تصریح می‌کند که کتاب به خط مؤلف در اختیارش بوده است. متأسفانه تلکبری به تصریح خود، سند این نقل را اسقاط کرده است. (همان، ۳۴۷) در بخشی از دعایی که پس از این نماز گزارش شده، نام تمام امامان علیهم السلام به چشم می‌آید. (همان، ۳۴۹)

۲۳- تنها گزارش ابن طاووس از کتاب طرازی در غیر از کتاب اقبال الأعمال، در جماع الاسبوع او انعکاس یافته است. وی در فصل سوم کتاب، هر یک از ایام هفته را منتسب به یک یا



چند معصوم دانسته و برای هر معصوم، زیارتی در آن روز آورده است (ابن طاووس، ۱۳۳۰: ۲۵-۳۹) از جمله روز دوشنبه را منتسب به حسنین علیهم السلام دانسته و زیارتی برای امام مجتبی علیه السلام نقل کرده و مصدر خود را «کتاب الشیخ علی بن محمد الطرازی» معرفی کرده است. (همان، ۳۲) بی گمان «علی بن محمد» در این نقل، مقلوب «محمد بن علی» است. اینکه نام پدر طرازی، علی بن محمد طرازی بوده است، نباید ما را در این توهم واقع کند که شاید سید از مصدري دیگر (یعنی کتابی از طرازی پدر) زیارت را نقل کرده است.

۴. جدول منقولات ابن طاووس از کتاب طرازی

در جدول زیر منقولات ابن طاووس از کتاب طرازی که مشتمل بر برخی جزئیات مرتبط با این نقل ها و عین عبارات ابن طاووس است، ملاحظه می شود.

ردیف	موضوع	منبع	وضعیت نقل طرازی	نقل موازی از غیر طریق طرازی	سند طرازی
۱	دعای روز ۲۱ ماه رمضان	اقبال الأعمال، ۳۶۶/۱	مسند	ندارد	رواه محمد بن علی الطّرازی قال: عن عبد الباقي بن یزید ایدة الله، قال: أخبرني أبو عبد الله محمد بن وهبان بن محمد البصري، قال: حدّثنا أبو علي محمد بن الحسن بن جمهور، قال: حدّثنا أبي، عن أبيه محمد، عن حماد بن عيسى، عن حماد بن عثمان قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام
۲	اعمال روز عرفه پیش از شروع در ادعیه	اقبال الأعمال، ۷۰/۲	مرسل	دارد (شیخ طوسی با کمی اختلاف) «اعلم انّی وجدت فی الروایات اختلافا فیما نذکره قبل الشروع فی الدعوات، فقال جدّی أبو جعفر الطوسی...»	...و قال محمد بن علی الطرازی فی کتابه بإسناده عن الصادق عليه السلام
۳	فضیلت روز	اقبال	مرسل	ندارد	رواه محمد بن علی بن محمد



	غدير	الأعمال، ۲۶۴/۲		الطرازی فی کتابه، بإسناده المتّصل إلى المفصّل بن عمر قال: قال لى ابوعبدالله عليه السلام
۴	فضيلت روز غدير	اقبال الأعمال، ۲۷۶/۲	مرسل	دارد (شيخ مفيد) «و روينه بإسنادنا أيضا إلى الشيخ المفيد محمد بن محمد بن التّعمان، فيما رواه عن عمارة بن جوين أبى هارون دخلت على أبى عبد الله عليه السلام
۵	فضيلت روز غدير	اقبال الأعمال، ۲۷۹/۲	مرسل	ذكره محمد بن على الطّرازی فی کتابه وروينه بإسنادنا إلى عبد الله بن جعفر الحميرى قال: حدّثنا هارون بن مسلم، عن أبى الحسن اللّيثى، عن أبى عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام
۶	فضيلت روز غدير	اقبال الأعمال، ۲۸۲/۲	مرسل	نقلناه من كتاب محمد بن على الطّرازی بإسناده إلى أبى الحسن عبد القاهر بواب مولانا أبى إبراهيم موسى بن جعفر و أبى جعفر محمد بن على عليه السلام قال: حدّثنا ابو الحسن على بن حسان الواسطى بواسط فى سنة ثلاثمائة قال: حدّثنى على بن الحسن العبدى قال: سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام
۷	زيارت حضرت زهرا عليها السلام	اقبال الأعمال، ۱۶۳/۳	مرسل	فلنذكر زيارة لها ذكرها محمد بن على الطرازی



رویناها عن جماعة و نذكرها بإسناد محمّدين على الطرازی من كتابه قال: أخبرنا أحمدبن محمدبن عیاش رضی الله عنه، قال: حدّثنا أحمدبن محمدبن سهل المعروف بابن أبی الغریب الصنّی، قال: حدّثنا الحسن بن محمّدين جمهور، قال: حدّثنی محمّدين الحسين الصانع، عن محمّدين الحسين الزّاهری، من ولد زاهر مولى عمرو بن الحرق وزاهر الشهید بالطفّ، عن عبد الله بن مسكان، عن أبی معشر، عن أبی عبد الله عليه السلام	دارد «رویناها عن جماعة»	مسند	اقبال الأعمال، ۲۰۹/۳	دعاهای هر روز ماه رجب (دعای «خاب الوافدون على غیرک...»)	۸
ذكره الطرازی أيضاً فی كتابه، فقال: ابوالفرج محمدبن موسى القزوينی الکاتب رحمه الله، قال: أخبرنی ابوعیسی محمدبن أحمدبن محمدبن سنان، عن أبيه، عن جدّه محمدبن سنان، عن یونس بن ظبیان قال: كنت عند مولای أبی عبد الله عليه السلام	ندارد	مسند	اقبال الأعمال، ۲۱۰/۳	ادعیه هر روز ماه رجب (دعای «اللهم اننى اسألك صبر الشاکرین لک»)	۹
ذكره الطرازی أيضاً فقال: دعاء علمه ابوعبد الله عليه السلام محمد السجّاد، و هو محمّدين ذکوان يعرف بالسجّاد... روى ابوالحسن على بن محمد البرسى رضی الله عنه، قال: أخبرنا الحسين بن أحمدبن شیبان، قال: حدّثنا حمزة بن القاسم العلوی العباسی، قال: حدّثنا محمدبن عبد الله بن عمران البرقی، عن محمّدين على الهمدانی، قال: أخبرنی محمدبن سنان، عن محمد السجّاد فی حدیث طویل، قال: قلت	ندارد	مسند	اقبال الأعمال، ۲۱۰/۳	دعاهای هر روز ماه رجب (دعای «یا من ارجوه لکل خیر»)	۱۰



لاأبی عبد الله ﷺ					
محمد بن علی الطرازی فقال ما هذا لفظه: أخبرهم ابوالحسين أحمد بن أحمد بن سعيد الكاتب رضی الله عنه قال: حدثنا ابوالعباس أحمد بن محمد بن سعيد، قال: حدثنا محمد بن علی القیانی، قال: سمعت جدی، يقول: سمعت أحمد بن أبی العیفاء، يقول: قال جعفر بن محمد ﷺ	ندارد	مسند	اقبال الأعمال، ۲۲۹/۳	اعمال ایام البیض رجب	۱۱
وجدنا ذلك في الروايات الشاهدات للسعادات بالعبادات يأسناد محمد بن علی الطرازی، فقال ما هذا لفظه: ابو محمد عبد الله بن الحسين بن یعقوب الفارسی رضی الله عنه ببغداد، قال: حدثنا محمد بن علی بن معمر، قال: حدثنا حمدان بن المعافى، قال: حدثنا عبد الله بن نجران، عن حماد بن عیسی، عن حریر بن عبد الله قال: قال ابو عبد الله جعفر بن محمد ﷺ	ندارد	مسند	اقبال الأعمال، ۲۳۲/۳	عمل شب نیمه رجب	۱۲
منها: ما رواه محمد بن علی الطرازی فقال في كتابه ما هذا لفظه: ۱- عدة من أصحابنا قالوا: حدثنا القاضي عبد الباقي بن قانع بن مروان، قال، حدثني مروان، قال: حدثني محمد بن زكريا الغلابي، قال: حدثنا محمد بن عفير العنبي، عن أبي جعفر الثاني ﷺ. ۲- وحدثنا ابوالفضل محمد بن عبد الله رحمه الله إملاءً ببغداد، قال: حدثنا جعفر بن علی بن سهل بن	دارد «مما روينا عن الثقات في عدة روايات»	۱- مسند ۲- مسند ۳- مرسل	اقبال الأعمال، ۲۶۵/۳	عمل شب ۲۷ رجب	۱۳



فروخ ابوالفضل الدقاق، قال: حدثنا جعفر بن محمد بن زكريا الغلابي، عن العباس بن بكار، عن محمد بن عفير الضبي، عن حدثه عن أبي جعفر الثاني عليه السلام . ۳- وأخبرنا محمد بن وهبان، قال: حدثنا محمد بن عفير الضبي، عن أبي جعفر الثاني عليه السلام					
وقد تقدّمت روايتنا في ليلة النصف من رجب عن حريز بن عبدالله عن الصادق عليه السلام باثنتي عشرة ركعة على الوصف الذي ذكرناه. ذكر محمد بن علي الطرازي أنّها تصلّى ليلة سبع و عشرين من رجب أيضا، وقال: فإذا فرغت...	دارد (با كمی اختلاف) «وجدناها في موطن الاجتهاد في الظفر بسعادة المعاد، مروياً عن النبي صلى الله عليه وآله قال: من صلّى... اثنتي عشرة ركعة...»	مرسل	اقبال الأعمال، ۲۶۸/۳	نماز دیگری در شب ۲۷ رجب	۱۴
فمن ذلك ما رواه محمد بن علي الطرازي رحمه الله في كتابه فقال: ...أبو العباس أحمد بن علي بن نوح رضي الله عنه قال: حدثني أبو أحمد المحسن بن عبد الحكم السنجري، وكتبته من أصل كتابه، قال في نسخته: نسخت من كتاب أبي نصر جعفر بن محمد بن الحسن بن الهيثم، وذكر أنه خرج من جهة أبي القاسم الحسين بن روح قدس الله روحه	دارد (شيخ مفيد و ديگران با كمی اختلاف) «ونحن نذكر منها عدة روايات وان اتفقت في عدد الركعات فإنّها تختلف في بعض المرادات...» «وذكر شيخنا المفيد في كتاب التواريخ الشرعية مثل هذه الصلاة على السواء...»	مسند	اقبال الأعمال، ۲۷۲/۳	اعمال روز ۲۷ رجب	۱۵
رواه محمد بن علي الطرازي بإسناده إلى أبي علي بن إسماعيل بن يسار قال: لما حمل موسى عليه السلام إلى بغداد، وكان ذلك في رجب سنة تسع و سبعين و مائة دعا بهذا الدعاء	ندارد	مرسل	اقبال الأعمال، ۲۷۶/۳	دعای روز ۲۷ رجب	۱۶



۱۷	صلوات شعبانیه	اقبال الأعمال، ۲۹۹/۳	مرسل	دارد (شیخ طوسی) «رویناه بعدة طرق إلى جدی أبی جعفر الطوسی»	رواه محمد بن علی الطرازی فی کتابه و وجدناه بخطه، فقالا فیما رویا عن محمد بن یحیی العطار، قال: حدثنی أحمد بن محمد السیاری، قال: حدثنی العباس بن مجاهد، عن أبیه قال: کان علی بن الحسین عليه السلام
۱۸	سجده بعد از دعای شب نیمه شعبان	اقبال الأعمال، ۳۱۴/۳ - ۳۱۷	مرسل	دارد (شیخ طوسی با کمی اختلاف) «روینا ذلك بإسنادنا إلى جدی أبی جعفر الطوسی فیما رواه عن أبی یحیی، عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام قال: سئل الباقر عليه السلام »	روایة أخرى فی هذه السجدة بعد هذا الدعاء رواها محمد بن علی الطرازی فی کتابه، فقال: ثم تسجد...
۱۹	سجده بعد از دعای شب نیمه شعبان	اقبال الأعمال، ۳۱۷/۳	مرسل	دارد (شیخ طوسی با کمی اختلاف)	روایة أخرى فی هذه السجدة بعد هذا الدعاء من کتاب محمد بن علی الطرازی: و روی محمد بن علی الطرازی فی کتابه أنّ مولانا الصادق جعفر بن محمد عليه السلام
۲۰	چهار رکعت نماز دیگر در شب نیمه شعبان	اقبال الأعمال، ۳۱۸/۳	مسند	دارد (شیخ طوسی با کمی اختلاف) «و روینا هذه الأربع رکعات و هذا الدعاء بإسنادنا إلى جدی أبی جعفر الطوسی»	فیما نذکره من صلاة أربع رکعات أخری فی ليلة النصف من شعبان وجدناها فی کتاب الطرازی فقال ما هذا لفظه: صلاة أخرى...
۲۱	دعای در شب نیمه شعبان	اقبال الأعمال، ۳۱۹/۳	مرسل	ندارد	و ذکر الطرازی بعد هذه الصلاة و الدعاء، فقال ما هذا لفظه: و مما یدعی به...

۲۲	نماز شب نیمه شعبان در حرم امام حسین علیه السلام	اقبال الأعمال، ۳/۳۴۷؛ جمال الاسبوع، ۲۷۰	مرسل	ندارد	و هي منقولة من خط محمد بن علي الطرازي في كتابه، فقال ما هذا لفظه: و نقلت من خط الشيخ أبي الحسن محمد بن هارون أحسن الله توفيقه ما ذكر أنه حذف إسناده قال:...
۲۳	زیارت امام مجتبی علیه السلام	جمال الاسبوع، ۳۲	مرسل	ندارد	زِيَارَةُ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام مِنْ كِتَابِ الشَّيْخِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ [كذا] الطَّرَازِي: السَّلَامُ عَلَيْكَ...

۵. تحلیل و استنتاج از داده‌ها

از تحلیل و بررسی داده‌های این جدول نکاتی روشن می‌شود:

۱- سید در عبارت ردیف ۱۲ می‌گوید که در الروایات الشاهدات للسعادات بالعبادات مطلبی را با اسناد طرازی یافته است. اولاً هرچند سید تصریح نکرده، ولی عنوان فوق باید نام کتابی باشد که مصدر سید در این نقل است. ثانیاً چون مطلبی که سید نقل می‌کند به اسناد طرازی است، پس این عنوان باید نام کتاب طرازی باشد. بنابراین اینکه آقابزرگ کتاب طرازی را کتاب الدعاء و الزیارة (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۹۵/۸) یا کتاب الدعاء نامیده (همو، ۱۴۳۰: ۳۰۱/۱؛ همان، ۱۲۹/۲)، صحیح نیست.

۲- ابن طاووس در ۱۶ مورد از این نقل‌های ۲۳ گانه تصریح کرده که مطلب را از کتاب طرازی نقل می‌کند. وی در دو موضع (ردیف‌های ۱۷ و ۲۲) اشاره می‌کند که نسخه اصلی کتاب طرازی را به خط مؤلف آن در اختیار دارد. معلوم نیست که ابن طاووس بر اساس چه قراینی به این اطمینان رسیده بوده است. خواهیم گفت که ابن طاووس قطعاً به صورت وجاده بر کتاب طرازی دست یافته است. با عنایت به این نکته، اگر واقعاً نسخه اصلی کتاب طرازی پس از دو قرن به دست ابن طاووس رسیده باشد، با توجه به اینکه سید در هیچ یک از آثار موجودش جز اقبال الأعمال و موضعی از جمال الاسبوع، هیچ اطلاعی از نحوه دستیابی خود بر کتاب به دست نداده، می‌توان نتیجه گرفت که طرازی عالمی منزوی بوده که شاگردانی نداشته، یا در





شرایط تقیه می‌زیسته است. گذشت که پدر و جد او از عالمان شناخته شده اهل سنت در بغداد و نیشابور بوده‌اند و این نکته احتمال زندگی تقیه‌ای او را تأیید می‌کند.

۳- سیدبن طاووس به کتاب طرازی طریق نداشته و دستیابی او به آن از طریق وجاده بوده است. چنان‌که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، عمده تعبیرات سید در نقل از کتاب، از قبیل «رواه»، «ذکره»، «نقلناه من کتاب...» و «قال» است. وی در ردیف ۱۲ تعبیر «وجدنا ذلک فی کتاب...» و در ردیف ۱۷ «وجدناه بنخه» و در ردیف ۱۹ «وجدناها فی کتاب...» را به کار برده که تصریح بر وجاده است. البته سید در سه مورد از این نقل‌ها، عبارت «رَوَّینا» را به کار برده است (ردیف‌های ۵، ۸ و ۱۳) که ظهور در نقل با اجازه و همراه با مراعات ضوابط دارد. در این میان، سید در دو مورد (ردیف‌های ۸ و ۱۳) به تصریح خود، غیر از کتاب طرازی، طرق دیگری نیز برای دریافت مطلب داشته و استفاده از تعبیر «رَوَّینا» باید معطوف به آن طرق باشد. شاهد بر این مدعا، عبارت سید در ردیف ۱۷ است. وی می‌گوید: «رویناه بعدة طرق إلی جدی أبی جعفر الطوسی و رواه محمدبن علی الطرازی». (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۲۹۹/۳) اگر سید به کتاب طرازی طریق می‌داشت، وجهی نداشت که تعبیر را از «رَوَّیناه» که آن را در مورد شیخ طوسی به کار برده بود، در نقل از طرازی به «رواه» تغییر دهد. مؤید دیگر عبارت وی در ردیف ۱۹ است. وی ابتدا تصریح می‌کند که چهار رکعت نماز شب نیمه شعبان را در کتاب طرازی یافته است (وجدناها فی کتاب الطرازی...)، سپس می‌آورد: «و روینا هذه الأربع رکعات و هذا الدعاء یاسنادنا إلی جدی أبی جعفر الطوسی». تغییر عبارت در اینجا نیز مؤید مدعای ماست. ضمن آنکه در نقل‌های ۲۳ گانه ابن طاووس از کتاب طرازی، هیچ سخنی در مورد طریق او به کتاب دیده نمی‌شود و سید هیچ گاه از واسطه‌ای میان خود و طرازی سخن نمی‌گوید.

ناگفته نماند که تعبیر وی در ردیف ۵ قدری تردیدآمیز است؛ زیرا در اینجا سید سخنی از طریق دیگر به مطلب منقول ندارد. سید گوید: «ذکره محمدبن علی الطرازی فی کتابه رویناه یاسنادنا إلی عبداللّٰه بن جعفر الحمیری». بر اساس شواهد و قرائن پیش‌گفته، که وجاده‌ای بودن نقل ابن طاووس از کتاب طرازی را تأیید می‌کند، در اینجا یا باید بگوییم سید غیر از کتاب طرازی، طریق دیگری برای تلقی این روایت داشته که سخنی از آن به میان نیاورده و تعبیر



«رویناه» ناظر به آن است. یا آنکه سید در اینجا برخلاف ضوابط محدثان برجسته و ائمه‌شان، مرتکب تعلیق سند بر اجازه شده است؛ به این معنا که گویا سند طرازی در این موضع به حمیری منتهی می‌شده و از آنجا که سیدبن طاووس برای نقل آثار حمیری اجازه داشته است، سند طرازی را بر اجازه خود از حمیری تعلیق کرده و چون به طرازی اعتماد داشته و کتاب را به خط او می‌دانسته، از تعبیر «رُویناه» استفاده کرده است. محتمل است در دو مورد دیگر نیز همین اتفاق افتاده باشد. بنابراین، اینکه محقق مامقانی از سید نقل کرده که او به کتاب طرازی «سند و طریق» دارد (مامقانی، بی‌تا: ۱۵۸/۳)، صحیح نمی‌نماید.

۴- گفتیم که پدر و جد طرازی از شخصیت‌های شناخته شده در میان عالمان اهل سنت زمان خود بوده‌اند. ولی آن بخش از گزارش‌های طرازی که ابن طاووس در کتاب خود منعکس کرده است، بیشتر به امامان معصوم یا شخصیت‌های امامی مهم، که جز امامیان از آنان نقل نمی‌کنند، منتهی می‌شود. در این میان، ۱۲ نقل از امام صادق علیه السلام، یک مورد از امام سجاد علیه السلام، یک مورد از امام کاظم علیه السلام و یک مورد از جناب حسین بن روح نوبختی، که نیابت خاص امام عصر علیه السلام را بر عهده داشته، به چشم می‌خورد. همچنین طرازی نقلی از نوشته‌ای به خط محمدبن هارون [بن موسی تلکبری] داشته که پدرش در میان امامیان شخصیتی ممتاز دارد. به علاوه مضامینی که طرازی در کتاب خود آورده بوده، نه تنها مضامینی صددرصد شیعی است و احتمال نمی‌رود که مخالفان دست به نقل آن بزنند، بلکه نشان می‌دهد که طرازی به جریان نیمه افراطی امامیه وابستگی فکری داشته است. حضور متهمان به غلو یا غالیانی از قبیل محمدبن حسن بن جمهور، مفضل بن عمر، محمدبن سنان (به صورت مکرر)، داوودبن کثیر رقی، یونس بن ظبیان و احمدبن محمد سیاری در اسناد منقولات او، از مؤیدات این ادعاست. توجه به این نکته در شناسایی مذهب طرازی بسیار مهم است.

۵- سید در عبارت منقول در ردیف ۳، طرازی را در ردیف شخصیت‌هایی همچون کلینی، صدوق، مفید و طوسی قرار داده و در تیتراژ مطلب از آنان با عنوان «جماعة ذوی الفضل الکثیر» یاد کرده است. وی بر اساس عبارت منقول در ردیف ۱۵، بر طرازی ترحم کرده و در نقل ردیف ۲۳، از وی با لقب احترام آمیز «شیخ» یاد کرده است. با عنایت به اینکه سید کتاب طرازی را در



اختیار داشته است، استعمال چنین تعبیراتی از سوی او می‌تواند ما را به این اطمینان برساند که در کتاب او مطلب منکری وجود نداشته و سید به او وثوق داشته است، چنان‌که نقل‌های پرشمار او در اقبال از این اعتماد پرده برمی‌دارد.

گفتیم که سید طریقی به کتاب طرازی نداشته است. از همین رو، در دو موضع تصریح کرده که کتاب را به خط مؤلف در اختیار داشته تا خواننده را به این اطمینان برساند که نباید نگران نحوه دستیابی سید به این منبع باشد. در اینجا این نکته را متذکر می‌شویم که این تصریح می‌تواند کاشف از آن باشد که ابن طاووس از ناحیه شخصیت طرازی نگرانی نداشته، گویا همین که ابن طاووس کتاب طرازی را به خط خودش در اختیار داشته، برای احراز صحت طریق تا طرازی و اطمینان از بی‌عیب بودن این بخش از طریق، نزد او کفایت می‌کرده است.

۶- در میان موارد ۲۳ گانه، ابن طاووس در ۸ مورد، غیر از نقل طرازی، به طرق دیگری برای نقل مطلب دسترسی داشته که ۵ مورد آنها به جدش شیخ طوسی و ۲ مورد به شیخ مفید منتهی می‌شود. مواردی نیز هست که سید به ابهام و اجمال برگزار کرده و طرق دیگر خود را به صورت واضح ذکر نکرده و به این عبارت که «از عده‌ای از ثقات» یا «از جماعتی برای ما روایت شده» (مانند ردیف ۸)، اکتفا نموده است. این نقل‌های موازی می‌تواند میزان اعتماد ما به نقل‌های طرازی را بالا برده و در حصول وثوق به او نقش ایفا نماید. شایان ذکر است در این تحلیل آماری صرفاً به داده‌های سید بن طاووس در اقبال بسنده شده است. چه بسا اگر به جست‌وجوی منقولات سید از طرازی در دیگر مصادر بپردازیم، به موارد بیشتری از نقل‌های موازی دست می‌یابیم.

۷- در میان ۲۳ مورد نقل ابن طاووس از طرازی، در ۱۱ مورد منقول عنه بلاواسطه طرازی ذکر شده است. در میان ۱۲ موارد باقی مانده، گاه نقل سید بدون نامی از معصوم منقول عنه، و گاه تنها با ذکر نام او همراه است؛ احیاناً به ذکر راوی بلاواسطه از معصوم اکتفا شده و بقیه راویان حذف شده‌اند. گاه نیز علاوه بر او، یک یا چند تن دیگر از راویان ذکر گردیده‌اند.

حلقه‌های تشکیل دهنده زنجیره سند در موارد یازده گانه در جدول زیر منعکس گردیده

است:^۷



ردیف	شماره گزارش	طرازی منقول عنه	الواسطه ۱ مثنای ربع	الواسطه ۲ مثنای ربع	الواسطه ۳ مثنای ربع	الواسطه ۴ مثنای ربع	الواسطه ۵ مثنای ربع	الواسطه ۶ مثنای ربع	الواسطه ۷ مثنای ربع	معصوم
۱	۱	عن عبدالباقی بن یزداد آیدہ اللہ	أبو عبد الله محمد بن وهبان بن محمد البصري	أبو علي محمد بن الحسن بن جمهور	أبي محمد	أبيه محمد	حماد بن عيسى	حماد بن عثمان	---	أبي عبد الله عائش
۲	۸	أخبرنا أحمد بن محمد بن عياش رضى الله عنه	أحمد بن محمد بن سهل المعروف بابن أبي الغريب	الحسن بن محمد بن جمهور	محمد بن الحسين الصابغ	محمد بن الحسين الزاهري	محمد بن الحسين الزاهري	عبد الله بن مسكان	أبي معشر	أبي عبد الله عائش
۳	۹	ابوالفرج محمد بن موسى القزوينى الكاتب رحمه الله	أخبرنى ابوعيسى محمد بن أحمد بن محمد بن سنان	أبيه محمد بن سنان	جده محمد بن يونس بن ظبيان	---	---	---	---	أبي عبد الله عائش
۴	۱۰	روى ابوالحسن على بن محمد البرسى رضى الله عنه...	الحسين بن أحمد بن شيبان	حمزة بن القاسم العلوى العباسى	محمد بن عبد الله بن عمران البرقى	محمد بن علي بن سنان	محمد بن علي بن سنان	محمد بن علي بن سنان	---	أبي عبد الله عائش
۵	۱۱	أخبرهم ابوالحسن أحمد بن أحمد بن سعيد الكاتب رضى الله عنه	أبو العباس أحمد بن محمد بن سعيد	محمد بن علي القياني	أحمد بن أبي الغفاء	أحمد بن أبي الغفاء	أحمد بن أبي الغفاء	أحمد بن أبي الغفاء	---	جعفر بن محمد عائش
۶	۱۲	أبو محمد عبد الله بن	محمد بن علي بن	حمدان بن ن	عبد الله بن	حمدان بن عيسى	حريز بن عبد الله	---	---	أبو عبد الله جعفر بن



محمد عاشق					نجران	المعافی	معمّر	الحسین بن یعقوب الفارسی رضی الله عنه		
أبی جعفر الثانی عاشق	---	---	---	محمد بن عفیر العنبی	محمد بن زکریا الغلابی	مروان	القاضی عبد الباقي بن قانع بن مروان	عدّة من أصحابنا	۱۳	۷
أبی جعفر الثانی عاشق	---	---	عمن حدّثه	محمد بن عفیر الضبی	العباس بن بکار	جعفر بن محمد بن زکریا الغلابی	جعفر بن علی بن سهل بن فروخ ابوالفضل الدقاق	حدّثنا ابوالفضل محمد بن عبد الله رحمه الله	۱۳	۸
أبی جعفر الثانی عاشق	---	---		محمد بن عفیر الضبی				و أخبرنا محمد بن وهبان	۱۳	۹
----	---	---	---	---	جهة أبی القاسم الحسین بن روح قدس الله روحه	أبی نصر جعفر بن محمد بن الحسن بن الهيثم	أبو أحمد المحسن بن عبد الحکم السنجری	أبو العباس أحمد بن علی بن نوح رضی الله عنه	۱۵	۱۰
---	---	---	---	---	-----	-----	---	و نقلت من خط الشيخ أبی الحسن [كذا] محمد بن هارون أحسن الله توفيقه ما ذکر أنه حذف إسناده...»	۲۲	۱۱

۶. بررسی مشایخ طرازی

در میان موارد یازده گانه، در یک مورد از تعبیر مبهم «عدة من اصحابنا» استفاده شده است. ما اکنون با ۱۰ شخصیت مواجه هستیم که طرازی بدون ذکر واسطه از آنان نقل می‌کند و احتمال می‌رود که اینان مشایخ بلاواسطه او باشند. اکنون ضروری است این موارد را یک‌به‌یک مورد مطالعه قرار دهیم تا از رهگذر آن، اطلاعات بیشتری درباره شخصیت طرازی استحصال نماییم.

۵-۱. عبدالباقی بن یزداد

طرازی سندش را با عبارت «عن عبدالباقی بن یزداد ایده الله» آغاز کرده است. این نشان می‌دهد که طرازی کتابش را در زمان حیات او نگاشته و از او اجازه داشته است. در اصول رجالی نامی از عبدالباقی برده نشده است. وی از مشایخ طبری صغیر بوده^۱ و گزارشی به نقل از او در دلائل الامامه وجود دارد که بر اساس آن، عبدالباقی در رجب سال ۳۷۰ از عبدالله بن محمد ثعالبی اخذ حدیث کرده است. بر اساس ضبط طبری، نام کامل او أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ الْبَاقِي بْنِ يَزْدَادَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْزَازِ است. این همان گزارشی است که طبق آن، سعد اشعری به ملاقات امام عسکری علیه السلام نائل شده (طبری، ۱۴۱۳: ۵۰۶) و نجاشی تضعیف و ادعای موضوع بودن آن را از بعض اصحاب نقل کرده است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۷۶؛ نیز نک: نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴: ۳۶۷/۴؛ شوشتری، ۱۴۱۰: ۵۵/۶)

۶-۲. احمد بن محمد بن عیاش [الجوهری] (ف ۴۰۱)

عبارت طرازی در مقام نقل از ابن عیاش چنین است: «أخبرنا أحمد بن محمد بن عیاش رضی الله عنه». این عبارت صریح در آن است که ابن عیاش از مشایخ بلاواسطه طرازی بوده و طرازی از وی اجازه داشته یا سماع کرده است. نیز دانسته می‌شود که ابن عیاش در زمان نوشتن کتاب او از دنیا رفته بوده است. از آنجا که نجاشی و شیخ طوسی سالمرگ ابن عیاش را ۴۰۱ هجری ثبت کرده‌اند، دانسته می‌شود که طرازی کتاب را پس از این سال نوشته است. ابوعبدالله احمد بن محمد بن عبید الله بن حسن بن عیاش بن ابراهیم بن ایوب جوهری از دوستان نجاشی و پدر او بوده است. نجاشی گوید که از او بسیار شنیده، ولی چون دیده که مشایخش او را تضعیف می‌کنند، از او چیزی روایت نکرده است. نجاشی بر او ترحم کرده و از خداوند خواسته که با او مسامحه کند. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۵-۸۶) شیخ طوسی در رجال خود او را کثیر الروایه معرفی کرده و از اختلال





امر او در پایان عمرش خبر داده است. شیخ گوید که به واسطه جماعتی از اصحاب از او روایت می‌کند. (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۱۳) شیخ و نجاشی در عداد آثار او از کتاب عمل رجب نام برده‌اند که احتمالاً منبع طرازی بوده است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۵-۸۶؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۷۸)

۳-۶. ابوالفرج محمدبن موسی القزوینی الکاتب

طرازی سند خود را با عبارت «ابوالفرج محمدبن موسی القزوینی الکاتب رحمه الله» آغاز کرده است. از ترجم وی بر قزوینی دانسته می‌شود که وی را می‌شناخته و از او اجازه داشته است. نجاشی وی را ثقه، صحیح الروایه و واضح الطریقه خوانده است. وی تصریح کرده که این شیخ را دیده، ولی اتفاق نیفتاده که چیزی از او سماع کند. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۷) نیز نجاشی در ترجمه احمدبن محمدبن جعفر آورده که احمد در سال ۳۵۳ هجری به بغداد آمده و ابوالفرج از راویان او بوده است. (همان، ۸۴) وی همچنین در ترجمه سلیمان بن سفیان به مناسبت نقل مطلبی از ابوالفرج بر او ترجم کرده است. (همان، ۱۸۴) آقابزرگ تهرانی احتمالات و شواهدی بر اینکه قزوینی در اواخر قرن چهارم وفات یافته یا اینکه اوایل قرن پنجم را نیز درک کرده، اقامه کرده که محل تأمل است. (آقابزرگ، ۱۴۳۰: ۱۸۷/۲-۱۸۸)

۴-۶. ابوالحسن علی بن محمد البرسی

طرازی سند خود را با عبارت «روی ابوالحسن علی بن محمد البرسی رضی الله عنه» آغاز کرده است. از ترضی طرازی بر او معلوم می‌شود که وی را می‌شناخته است. اما اینکه او هنگام نقل از برسی، از تعبیری همچون «أخبرنا» و «حدَّثنا» استفاده نمی‌کند و عبارت «روی» را به کار می‌برد، بیانگر این نکته است که طرازی از او اجازه نقل نداشته است. مصادر رجالی متقدم نامی از برسی نبرده‌اند. رجالیان متأخر و معاصر نیز تنها اطلاعی که از او به دست داده‌اند، همین روایت سید در اقبال است. اینان ترضی طرازی بر برسی را به ابن طاووس نسبت داده و گویا در صدد بوده‌اند حُسن حال بُرسی را از آن استفاده کنند. (نک: مامقانی، بی تا: ۳۰۳/۲؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴: ۴۳۹/۵؛ نیز نک: شوشتری، ۱۴۱۰: ۵۴۳/۷) آقابزرگ تهرانی متذکر گردیده که نباید نام او را تصحیفی از ابوالحسن علی بن محمد قرشی (ف ۳۴۸) دانست؛ زیرا قرشی از مشایخ احمدبن

عبدالواحد و او هم از مشایخ نجاشی و شیخ طوسی است، در حالی که طرازی بر اساس برداشت او، با این دو، معاصر و هم طبقه است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۷۵/۲-۱۷۶)

۵-۶. ابوالحسین أحمدبن أحمدبن سعید الکاتب

طرازی سند خود را با عبارت «أخبرهم ابوالحسین أحمدبن أحمدبن سعید الکاتب رضی اللّٰه عنه» آغاز می‌کند. این عبارت نشان می‌دهد که اولاً خود طرازی طریق یا اجازه‌ای به احمد کاتب نداشته است؛ وگر نه باید از عبارت «اخبارنا» استفاده می‌کرد. ثانیاً در زمان کتابت او احمد کاتب از دنیا رفته بوده است. مؤید نکته نخست آن است که نجاشی گوید: «برای یادگیری قرآن به مسجد لؤلؤی، یا همان مسجد نفطویه نحوی رفت و آمد داشته و در آنجا جماعتی از اصحاب را می‌دید که کتاب کافی را بر ابوالحسین احمدبن احمد کوفی کاتب می‌خوانده‌اند.» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۷۷)

این خاطرات نجاشی باید مربوط به ایام کودکی یا نوجوانی وی باشد. آقابزرگ این ملاقات را به طور تخمینی، مربوط به حدود سال ۳۸۰ هجری، زمانی که نجاشی ۷ یا ۸ سال داشت، دانسته است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۹/۱)

وحید بهبهانی نقل نجاشی را ناظر به حسن حال او دانسته است. (به نقل از: مازندرانی حائری، ۱۴۱۶: ۲۳۱/۱) محقق مامقانی خاطرنشان کرده که عنوان «احمدبن احمد کاتب» را جز در کتاب وحید بهبهانی نیافته است. او گمان کرده است که این عنوان در کتاب وحید، تصحیفی از احمدبن اسماعیل کاتب است. (مامقانی، بی تا: ۴۹/۱) محقق شوشتری نیز احتمال تصحیف احمدبن احمد از احمدبن علی در کلام نجاشی را مطرح و شواهدی بر آن اقامه کرده است. (شوشتری، ۱۴۱۰: ۳۸۶/۱) گویا هیچ یک از این دو به روایت سید در اقبال التفات نیافته‌اند. در میان رجالیان معاصر، نمازی شاهرودی، بیشترین اطلاعات از منقولات احمد کاتب را گردآورده است. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴: ۲۵۵/۱)

۶-۶. ابو محمد عبداللّٰه بن الحسين بن یعقوب الفارسی

طرازی سند خود را با عبارت «ابو محمد عبداللّٰه بن الحسين بن یعقوب الفارسی رضی اللّٰه عنه» آغاز می‌کند. ظاهر آن است که طرازی از او اجازه نقل داشته است. نجاشی وی را شیخی از وجوه اصحاب و محدثان و فقهای آنان شمرده و یادآور گردیده که او را دیده، ولی از او سماع نکرده





است. عنوان تنها کتابی که نجاشی برای او ذکر کرده، «أنس الوحید» است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۳۰؛ از آنجا: حلی، ۱۴۱۱: ۱۱۲؛ ابن داوود، ۱۳۴۲: ۲۰۲) چنان‌که از نام کتاب برمی‌آید، احتمال دارد مشتمل بر ادعیه و آداب و مأخذ طرازی بوده باشد. رجالیان مکتب اصفهان نیز همچون علامه حلی و ابن داوود، چیزی بر داده‌های نجاشی نیفزوده‌اند. (نک: حسینی حلی، ۱۴۲۸: ۲۱۹؛ استرآبادی، ۱۴۲۲: ۲۳/۷-۲۴؛ تفرشی، ۱۳۷۷: ۹۹/۳؛ قهپایی، ۱۳۶۴: ۹۳/۷-۹۴؛ بصری، ۱۴۲۲: ۱۲۴؛ نراقی، ۱۴۲۲: ۲۸۲) مامقانی داده‌های نجاشی در حق او را کمتر از توثیق ارزیابی نکرده است. (مامقانی، بی‌تا: ۱۷۹/۲) نمازی شاهرودی به روایت علی بن عبدالواحد نه‌دی از او در اقبال الأعمال (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۵۳/۱) اشاره کرده و ترجم نه‌دی بر او، توجه او را به خود جلب کرده است. وی ترصی طرازی بر فارسی را ظاهراً به سید نسبت داده است. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴: ۵۲۰/۴) شوشتری عنوان نکردن فارسی از سوی شیخ در رجال و فهرست را به احتمال زیاد، معلول عدم وقوف شیخ بر او و کتابش دانسته است. (شوشتری، ۱۴۱۰: ۳۲۱/۶) آقابزرگ تهرانی بر اساس اسناد برخی نسخ مقاتل الطالبیین، فارسی را از راویان این کتاب از ابوالفرج اصفهانی (ف ۳۵۶) معرفی کرده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۵۳/۱)

۶-۷. ابوالفضل محمد بن عبدالله [الشیبانی] (۲۹۷-۳۸۷ ه ق)

طرازی گوید: «و حدثنا أبوالمفضل محمد بن عبدالله رحمه الله إماماً ببغداد». از این عبارت دانسته می‌شود که طرازی در جلسه املاء ابوالفضل شیبانی در بغداد حضور می‌یافته است. نیز دانسته می‌شود که طرازی کتابش را بعد از مرگ شیبانی نگاشته است. چنان‌که از عبارت طرازی در نقل از ابن عیاش بیان شد، او کتابش را پس از ۴۰۱ هجری نگاشته است. نجاشی در مورد ابوالفضل شیبانی گوید که او در طلب حدیث، عمرش را به سفر گذراند. وی در اوایل کارش دقیق بود، ولی بعداً دچار خلط گردید. نجاشی همچنین گوید که بیشتر اصحاب را دیده که ابوالفضل را تضعیف و او را طعن می‌کنند. وی همچنین گوید ابوالفضل را دیده و از او بسیار شنیده است، ولی بعداً از روایت کردن از او دست کشیده، مگر در صورتی که شخص دیگری واسطه نقل از ابوالفضل باشد. نجاشی در بیان آثار او، از کتاب الدعاء نام می‌برد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۶۹) که احتمال دارد منبع طرازی در نقل از شیبانی باشد. ابن غضائری در عباراتی تند، شیبانی را «وَصَّاع» و «كثير المناكير» خوانده و می‌گوید که در بررسی آثار او گاه اسانید



خوب و متون دارای اشکال و گاه متون صحیح و اسانید مشکل دیده است.^۹ وی در ارزیابی نهایی ابوالمفضل، به ترک منفردات او رأی می‌دهد. (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۹۸-۹۹) شیخ در رجال نیز او را کثیر الروایه خوانده و به تضعیفات قوم نسبت به او اشاره کرده است. شیخ از خود شیبانی اجازه ندارد و به واسطه جماعتی از اصحاب از او نقل می‌کند. (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۴۷؛ رک: سید شیری و ملکیان، ۱۳۹۸: ۹۷) وی از جمله کتاب کافی را به واسطه حسین بن عبیدالله غضائری از شیبانی و او از کلینی روایت می‌کند. (همو، ۱۴۲۰: ۳۹۴) خطیب بغدادی، شیبانی را متولد ۲۹۷ و متوفای ۳۸۷ معرفی می‌کند. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۸۷/۳-۸۸؛ از آنجا: آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۲۸۰/۱-۲۸۱)

۶-۸. ابو عبدالله محمد بن وهبان بن محمد البصری

بر اساس گزارش‌های ابن طاووس، طرازی یک نقل مستقیم از محمد بن وهبان دارد که سند خود را با عبارت «و أخبرنا محمد بن وهبان» آغاز کرده است. و نقلی نیز با واسطه عبدالباقی بن یزداد از وی دارد که این بار نام او را به صورت کامل تر (ابو عبدالله محمد بن وهبان بن محمد البصری) ضبط کرده است. بر اساس گزارش شیخ طوسی، ابن وهبان به لقب «هنائی» و «دبیلی» نیز شناخته می‌شده و تلعبیری (ف ۳۸۵) از او روایت می‌کرده است. (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۴۴) نجاشی او را ثقه، واضح الروایه و قليل التخلیط دانسته است. از اینکه نجاشی او را «ساکن البصره» معرفی کرده و از تعبیری نظیر «ساکن البصره» استفاده نکرده، برداشت می‌شود که وی در زمان گزارش نجاشی در قید حیات بوده است. این عبارت می‌تواند ناظر به سخن شیخ طوسی و تصحیح آن نیز باشد که ابن وهبان را «بصری» معرفی کرده است. نجاشی طریقی به ابن وهبان ذکر نکرده است. وی در بیان آثار او، از کتاب الدعاء و نیز کتاب أخبار اُبی جعفر الثانی عليه السلام نام برده که می‌تواند منبع نقل‌های طرازی و ابن یزداد باشد. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۶-۳۹۷) دعای او پس قرنیه ابن طاووس در مهج الدعوات از همین نویسنده نقل کرده، باید از کتاب الدعاء او گرفته شده باشد. (نک: شوشتری، ۱۴۱۰: ۶۳۳/۹) آقابزرگ تهرانی به روایت خزاز قمی از ابن وهبان در کفایة الاثر خود اشاره کرده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۳۱۰/۱)



۹-۶. أبوالعباس أحمدبن علی بن نوح

طرازی سند را با عبارت «أبوالعباس أحمدبن علی بن نوح رضی الله عنه» آغاز کرده که ظهور در مُجاز بودن وی در نقل از ابن نوح دارد. نجاشی او را به غایت ستوده و او را ثقه، متقن، فقیه، بصیر در حدیث و روایت معرفی کرده است. او استاد و شیخ نجاشی بوده و نجاشی از استفاده‌های خود از او سخن گفته است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۶) گویا ابن نوح نیز به نجاشی علاقمند بوده و از همین رو، وصیت کرده که بخشی از کتبش را پس از مرگش به نجاشی بدهند. (همان، ۶۷ و ۱۱۸) شیخ در رجال او را توثیق کرده (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۱۷)، ولی در فهرست ضمن ستایش او، به این نکته اشاره کرده که «از ابن نوح مذاهب فاسده‌ای همچون قول به رؤیت و غیر آن حکایت شده است». (همو، ۱۴۲۰: ۸۷؛ از آنجا: حلی، ۱۴۱۱: ۱۸؛ ابن داوود، ۱۳۴۲: ۴۲۴) شیخ در منبع پیشین متذکر گردیده که دیروقتی نیست که ابن نوح درگذشته است، ولی چون وی ساکن بصره بوده، موفق به ملاقات با او نشده است. (طوسی، ۱۴۲۰: ۸۷) آقابزرگ تهرانی از تحلیل برخی داده‌های شیخ طوسی و مطالعه قراین، تاریخ وفات ابن نوح را حدود ۴۲۳ هجری دانسته است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۹/۲)

۱۰-۶. ابوالحسن محمدبن هارون

طرازی در مقام نقل از ابن شیخ آورده است: «و نقلت من خطّ الشیخ أبی الحسن محمدبن هارون أحسن الله توفیقه ما ذکر أنّه حذف إسناده». این عبارت نشان می‌دهد که اولاً محمدبن هارون در زمان کتابت کتاب طرازی در قید حیات بوده است. ثانیاً کتاب یا نوشته‌ای از ابن هارون به خط خودش در اختیار طرازی بوده است.^۱ با جست‌وجو در منابع رجالی به این نتیجه می‌رسیم که تنها شخصیتی که این عنوان قابل تطبیق بر اوست، ابوالحسن محمدبن هارون بن موسی تلکبری است. آقابزرگ تهرانی نیز به همین نتیجه رسیده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۷۵/۲) در اصول رجالی تنها موردی که نامی از وی به میان آمده، در فهرست نجاشی است که در ترجمه احمدبن محمدبن ربیع است. نجاشی در اینجا از «ابوالحسن محمدبن هارون بن موسی رحمه الله» از پدرش هارون بن موسی مطلبی را نقل می‌کند. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۹) ترحم نجاشی بر او توجه رجالیان را به خود جلب کرده است. (خویی، ۱۴۱۳: ۳۳۶/۱۸؛ شوشتری، ۱۴۱۰: ۶۳۹/۹) همچنین نجاشی در ترجمه هارون بن موسی تلکبری آورده است:

«با پسرش ابوجعفر در خانه او حاضر می‌شدم، در حالی که مردم بر او قرائت می‌کردند.»

(نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۳۹)

برخی احتمال داده‌اند ابوجعفر در این عبارت، تحریفی از ابوحسین یا بالعکس باشد. (امین، ۱۴۰۳: ۸۲/۱۰) احتمال دیگر آن است که محمد دو کنیه داشته باشد. (شوشتری، ۱۴۱۰: ۶۳۹/۹) آقابزرگ تهرانی از اینکه شیخ طوسی از برادر محمد، یعنی حسین بن هارون بن موسی روایت می‌کند، ولی از محمد روایت نمی‌کند، نتیجه گرفته که محمد قبل از سال ۴۰۸ هجری که سال ورود طوسی به بغداد است، درگذشته است. آقابزرگ همچنین از کتاب مجموع الدعوات محمد بن هارون یاد کرده که از مصادر البلد الامین بوده و کفعمی از آن با عنوان مجموع التلعکبری یاد کرده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۸۸/۲-۱۸۹) این می‌تواند همان منبعی باشد که طرازی آن را به خط مؤلف در اختیار داشته و از آن نقل کرده است.





نتیجه‌گیری

محمدبن علی طرازی از شخصیت‌های کمتر شناخته امامی عراق بوده و کتابی با موضوع ادعیه و زیارات نگاشته که به خط خود او پس از دو قرن به دست سیدبن طاووس رسیده است. سید تنها در دو کتاب اقبال الأعمال و جمال الاسبوع خود از طرازی و کتاب او یاد کرده و بخش‌هایی از آن را گزارش کرده است. فراوانی این نقل‌ها در مجموع به ۲۳ مورد می‌رسد که در این میان، ۲۲ مورد در کتاب اقبال الأعمال و ۱ مورد در کتاب جمال الاسبوع منعکس گردیده است. ابن طاووس در موضعی بر طرازی ترحم کرده و در جایی دیگر از او با لقب احترام‌آمیز «شیخ» یاد کرده است. عنوان اصلی کتاب طرازی، الروایات الشاهدات للسعادات بالعبادات بوده که آقابزرگ تهرانی و کلبزگ بر آن تفتن نیافته‌اند. چنین به نظر می‌رسد برخلاف تلقی محقق مامقانی، ابن طاووس طریقی برای نقل از طرازی نداشته و به نحو وجاده بر کتاب او دست یافته است.

هرچند پدر و جد طرازی در میان عالمان اهل سنت عنوان و شهرتی داشته‌اند، ولی بررسی مضامین روایات و اخبار منقول از کتاب طرازی حکایت از آن دارد که خود او قطعاً اعتقادات امامی محکمی داشته است. چه بسا مجموعه شواهد و قراین رجالی و حدیثی، ازجمله ترحم ابن طاووس، کثرت نقل او، القاب احترام‌آمیزی که برای وی به کار برده، وجود طرق موازی متعدد برای منقولات طرازی و...، موجب حصول اطمینان به وثاقت طرازی گردد. لااقل می‌توان ادعا کرد که ابن طاووس طرازی را ثقه می‌دانسته است. بررسی حیات مشایخ طرازی نشان می‌دهد که حیات علمی او در نیمه اول قرن پنجم در سرزمین عراق (بیشتر در شهرهای بغداد و احتمالاً بصره) رقم خورده است. ظواهر امر حکایت از آن دارد که در طرازی از میان ده نفری که از آنان نقل کرده، از عبد الباقي بن یزداد، ابن عیاش جوهری، ابوالفرج قزوینی، عبدالله بن حسین فارسی، ابوالفضل شیبانی، محمدبن وهبان بصری و احمدبن علی بن نوح اجازه روایت داشته است. طرازی در تألیف کتاب خود احتمالاً از منابعی همچون کتاب عمل رجب ابن عیاش جوهری، کتاب الدعاء ابوالفضل شیبانی، کتاب الدعاء و کتاب أخبار أبی جعفر الثانی علیه السلام محمدبن وهبان بصری، و کتاب مجموع الدعوات محمدبن هارون بن موسی تلعبکری، که کفعمی آن را مجموع التلعبکری می‌خوانده، بهره برده است.

پی‌نوشت‌ها

۱- مامقانی ضبط واژه را به کسر طاء و تخفیف راء می‌داند و «طراز» را نام محله‌ای در مرو، محله‌ای در اصفهان و شهری سردسیر در دیار ترک عنوان می‌کند. وی خاطرنشان می‌کند که در دو مورد اخیر، گاهی به فتح طاء نیز تلفظ می‌گردد. (مامقانی، بی‌تا: ۱۵۷/۳) چنان‌که زبیدی اشاره کرده، این واژه می‌تواند به معنای «نگارگر» (=رقام) نیز باشد. زبیدی پس از ذکر این معنا، به جد طرازی اشاره کرده و لفظ «رقام» را به‌عنوان لقب او ذکر کرده است. (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۸۸/۸)

۲- تعبیر خطیب چنین است: «و کان فیما بلغنی یظهر التّقصّف و حسن المذهب». «تقصّف» در لغت به معنای عدم التزام به نظافت لباس است. در اینجا ظاهراً کنایه از زندگی زاهدانه و صوفیانه است.

۳- در مورد مؤلف این کتاب، نقل‌های ابن طاووس از آن و اطلاعاتی دیگر در مورد آن، نک: کلبرگ، ۱۳۷۱: ۴۶۹.

۴- این حدیث را علی بن یوسف بن مطهر حلی (برادر علامه حلی) در کتاب العدد القویه خود بدون سند از مفصل نقل کرده است. (حلی، علی، ۱۴۰۸: ۱۶۸-۱۶۹)

۵- و من الدّعات فی یوم عید الغدیر ما ذکره محمّد بن علی الطّرازی فی کتابه رویناه بایساندنا إلی عبداللّٰه بن جعفر الحمیری قال: ...

۶- سیدبن طاووس در آثارش فقط در همین موضع از این کتاب یاد کرده است. به اطلاعات بیشتری در این خصوص دست نیافتیم. محققان معاصر همچون آقابزرگ و اتان کلبرگ نیز نامی از این کتاب نبرده‌اند.

۷- تعابیر و عناوین مندرج در جدول، عیناً تعابیر طرازی طبق گزارش ابن طاووس است.

۸- برخی دلائل الامامه را متنی جعلی و طبری صغیر را شخصیتی غیر واقعی دانسته‌اند. (انصاری، ۱۳۹۳)

۹- رأیت کتبه، و فیها الأسانید من دون المتون، و المتون من دون الأسانید.

۱۰- این نشان می‌دهد دعای طولانی که سید در مهج الدعوات از امام صادق علیه السلام نقل کرده (ابن طاووس،

۱۴۱۱: ۱۷۵-۱۸۴) و در پایان آن آورده است: «کتبه من مجموع بخط الشیخ الجلیل أبی الحسین محمدبن هارون التلعکبری أدام الله تأییده هكذا کان فی الأصل»، به احتمال قوی از کتاب طرازی نقل شده که کتاب محمدبن هارون را به خط خودش در اختیار داشته است. (کلبرگ، ۱۳۷۱: ۳۸۸) این نکته می‌تواند در مورد دیگر نقل‌های ابن طاووس از محمدبن هارون تلعکبری، که کلبرگ فهرستی از آن به دست داده، نیز صادق باشد.



منابع و مأخذ

۱. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق)، *الذريعة إلى تصانيف الشيعة*، بيروت: دار الأضواء.
۲. _____ (۱۴۳۰ق)، *طبقات أعلام الشيعة*، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
۳. ابن داوود حلی، حسن بن علی (۱۳۴۲ش)، *كتاب الرجال*، تهران: دانشگاه تهران.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۳۰ق)، *جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع*، قم: دار الرضی.
۵. _____ (۱۳۷۶ش)، *الاقبال بالأعمال الحسنة* قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. _____ (۱۴۱۱ق)، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، قم: دار الذخائر.
۷. ابن عماد، عبدالحی بن احمد (۱۴۰۶ق)، *شذرات الذهب فی أخبار من ذهب*، دمشق: دار ابن کثیر.
۸. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۴۲۲ق)، *الرجال*، قم: دارالحديث.
۹. استرآبادی، محمد بن علی (۱۴۲۲ق)، *منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال*، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۱۰. امین، محسن (۱۴۰۳ق)، *أعيان الشيعة*، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۱. انصاری، حسن (۱۳۹۳ش)، «متن شیعی مجعول و منسوب به محمد بن جریر طبری»، <https://ansari.kateban.com/post/2166>.
۱۲. بصری، احمد بن عبد الرضا (۱۴۲۲ق)، *فائق المقال فی الحديث و الرجال*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث.
۱۳. تفرشی، مصطفی بن حسین (۱۳۷۷ش)، *نقد الرجال*، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۱۴. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بيروت: بی نا.



۱۵. حسینی حلی، حسین بن کمال الدین ابرز (۱۴۲۸ق)، *زبدة الأقوال فی خلاصة الرجال*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.

۱۶. حلی، علی بن یوسف بن المطهر (۱۴۰۸ق)، *العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۱۷. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۱ق)، *رجال العلامة الحلی*، نجف اشرف: دار الذخائر.

۱۸. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، *تاریخ بغداد*، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۱۹. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة*، بی جا: بی نا.

۲۰. سیدشبیری، سید محمدجواد، محمدباقر ملکیان (۱۳۹۸ش)، «درنگی بر نسخه تصحیح شده فهرست شیخ طوسی توسط سید عبدالعزیز طباطبائی»، *مطالعات اعتبارسنجی حدیث*، مشهد: دوره اول، شماره اول، بهار و تابستان، ص ۸۵-۱۱۶.

۲۱. شرف الدین، عبدالله (۱۴۱۱ق)، *مع موسوعات رجال الشيعة*، لندن: الارشاد.

۲۲. شوشتری، محمدتقی (۱۴۱۰ق)، *قاموس الرجال*، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم.

۲۳. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق)، *دلائل الإمامة*، قم: بعث.

۲۴. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۷۳ش)، *رجال الطوسی*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

۲۵. _____ (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، تحقیق: خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیة.

۲۶. _____ (۱۴۱۱ق)، *مصباح المتهجد و سلاح المتعبد*، بیروت: مؤسسة فقه الشيعة.

۲۷. _____ (۱۴۲۰ق)، *فهرست کتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول*، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.

۲۸. قهپایی، عنایة الله (۱۳۶۴ش)، *مجمع الرجال*، قم: اسماعیلیان.

۲۹. قیسرانی، محمد بن طاهر، *صفوة التصوف*، بیروت: دار الکتب العلمیة.



۳۰. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، *رجال الکشی: إختيار معرفة الرجال*، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

۳۱. کلبرگ، اتان (۱۳۷۱ش)، *کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او*، ترجمه علی قرائی و رسول جعفریان، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۳۲. مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۶ق)، *منتهی المقال فی أحوال الرجال*، قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لإحياء التراث.

۳۳. مامقانی، عبدالله (بی تا)، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، بی جا: بی نا.

۳۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار احیاء التراث.

۳۵. _____ (۱۴۲۳ق)، *زاد المعاد - مفتاح الجنان*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

۳۶. مددی، سید احمد (۱۳۹۳ش)، *الحاشیة علی «الرعاية لحال البدایة فی علم الدراية» للشهید الثانی*، در: مددی، سید احمد (۱۳۹۳ش)، *نگاهی به دریا*، ۱، صص ۴۲۷-۴۵۵، قم: مؤسسه کتاب شناسی شیعه.

۳۷. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، *رجال النجاشی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۳۸. نراقی، ابوالقاسم بن محمد (۱۴۲۲ق)، *شعب المقال فی درجات الرجال*، قم: کنگره بزرگداشت محققان ملا مهدی و ملا احمد نراقی.

۳۹. نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۴ق)، *مستدرکات علم رجال الحديث*، تهران.